

توسعه پایدار نواحی منطقه ۴ شهر تهران با تاکید بر حکمروایی خوب شهری

محسن محمدی^۱، رحیم سرور*^۲ مجید ولی شریعت پناهی^۳، حسین مجتبی زاده^۴

^۱ دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استاد تمام گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳ دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهر ری، تهران، ایران

^۴ استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۳۰

چکیده

کلانشهر تهران، به عنوان پایتخت، با مشکلات بسیاری مواجه است و منطقه چهار که از پرجمعیت‌ترین مناطق تهران است در شرایط کنونی فاقد توازن در سطح توسعه در بین نواحی مختلف می باشد. کشف روابط بین این شرایط با وضعیت حکمروایی در نواحی، مساله پژوهش را تشکیل می دهد. پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با راهبرد پیمایش انجام شد. شاخص‌ها ابتدا به روش دلفی (DELPHI) بدست آمد و سپس در میان دو جامعه آماری شهروندان و مدیران شهرداری توزیع شد. نتیجه محاسبات در سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و تحلیل‌های فضایی نشان داد نواحی ۱-۲-۳ که رمه‌تبه بهتری از نظر حکمروایی بدست آوردند، وضعیت بهتری از نظر توسعه پایدار شهری داشتند (نواحی ۱، ۲ و ۳) و نواحی ۴ که رتبه بدتری از نظر حکمروایی خوب شهری داشتند، از نظر توسعه پایدار نیز از وضعیت ضعیف تری برخوردارند (نواحی ۶ و ۷) لذا بین حکمروایی خوب شهری و توسعه پایدار نواحی شهری رابطه وجود دارد.

کلید واژه‌ها: توسعه پایدار- حکمروایی خوب شهری- منطقه چهار (۴)- شهر تهران

مقدمه

ویژگی عصر ما شهر نشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ است. در آغاز قرن نوزدهم، تنها ۸ درصد از جمعیت دنیا در شهرهای ساکن بودند که این میزان در ابتدای قرن بیستم به ۸۰ درصد افزایش یافت (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶). در قرن بیست و یکم، جمعیت شهری دنیا به مرز ۵۰ درصد کل جمعیت جهان رسیده، پیش بینی می شود؛ در سال ۲۰۲۵ میلادی از مرز ۱۸ درصد تجاوز نماید (نظریان، ۱۳۸۰: ۳۳). رشد سریع جمعیت و تمرکز آنها در شهرها در سراسر جهان بر دور نمای زندگی بیشتر انسان ها اثر می گذارد. شهرها با رشد هم معنی شده، به طور فزاینده در معرض بحران های ناگوار، به ویژه در کشورهای در حال توسعه هستند. فقر، تخریب محیط، فقدان خدمات شهری، نزول زیر بناهای موجود، فقدان دسترسی به زمین و سر پناه، از جمله بحران های مربوطه به این موضوع هستند (سرابی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸).

پیچیدگی فزاینده مسائل و مشکلات شهری به خصوص در کلانشهرها، نیاز آنها را به جامع نگری حل این مسائل اجتناب ناپذیر نموده است. بر همین اساس دیدگاه های مختلفی در مورد رشد و توسعه شهرنشینی از طرف اقتصاددانان، جامعه شناسان و کارشناسان محیط زیست به وجود آمد که رویکرد توسعه پایدار ماحصل تلفیق این سه دیدگاه است (کاظم محمدی، ۱۳۷۸: ۲۵) که از دهه ی آخر قرن بیستم از سوی سازمان ملل مطر به عنوان دستور کار ۲۱ در سطوح بین المللی، منطقه ای و محلی تعیین گردید (Roseland, 1997: p: 199).

توسعه پایدار شهری دارای ابعاد گسترده و پیچیده است که عبارتند از عوامل اقتصادی، زیست-محیطی، اجتماعی و کالبدی است. بنابراین توسعه پایدار تنها مبتنی بر سیاست های زیست محیطی نیست و باید تمام ابعاد را در نظر بگیرد.

در ایران نیز حدود دو الی سه دهه اخیر است که مباحث توسعه پایدار در همه زمینه ها علوم مطر شده که ابتدا بیشتر در زمینه های زیست محیطی و اقتصادی پیگیری می شد. با توسعه شهرها در ایران و مطرح شدن اصل توسعه پایدار در طرها و برنامه های توسعه به عنوان هدف کلی مورد تایید قرار گرفت. به گونه ای که یکی از پژوهشگران در این زمینه بنام موسی کاظمی به این موضوع اشاره می کند (موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۰: ۹۶). اما ناکامی برنامه های کلان و شهر مقیاس در قالب طر های جامع، هادی، و... به دلیل توجه به ابعاد محدودی از حیات شهری، بر کسی پوشیده نیست چرا که در جامعه شهری امروز به منظور رسیدن به توسعه پایدار شهری سطو پایین تر و ابعاد ملموس زندگی یعنی محلات شهری نقش تعیین کننده و مهمی بر عهده دارند و مانند حلقه واسط بین شهر و شهروندان عمل می کنند. در واقع یکی از مباحث اصلی توسعه پایدار، بحث تقدم توسعه محلی بر توسعه ملی است و محله های شهری به عنوان کوچکترین واحد سازمان فضایی شهر، در پایداری نقش اساسی ایفا می کند (نادری بوانلو و پرتوی، ۱۳۸۹: ۶۷). بنابراین با مطر شدن دیدگاه توسعه پایدار به عنوان دیدگاهی که حل مشکلات کنونی شهر و زندگی شهر

در گرو بازگشت به مفهوم محله می‌داند می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های موجود به حل مشکلات و توسعه محلات پرداخت به همین دلیل در دهه‌های اخیر توجه به برنامه‌ریزی محله‌منا مطابق نیازهای توسعه محله‌ای و پژوهش در این باب گسترش یافته است. بنابراین برای دستیابی به شهرهای پایدار قبل از هر چیز محلات پایدار لازم است، زیرا محلات به عنوان کوچکترین واحد تقسیمات شهری، اندام‌های سازنده شهر محسوب می‌شوند (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۳).

کلانشهر تهران، به عنوان پایتخت و با جمعیتی بالغ بر ده میلیون شهروند، در بین ۱۲۴ کلانشهر موجود در جهان است که با مشکلات بسیاری از قبیل آلودگی هوا، آلودگی صوتی، آلودگی آب، مشکلات ترافیکی، کمبود مسکن، از بین رفتن و نابودی محیط زیست و تنوع زیستی موجود، آسیب‌پذیری در برابر حوادث غیر مترقبه طبیعی از قبیل زلزله، رانش، سیل، کمبود خدمات، سرانه‌ها، تاسیسات و تجهیزات شهری، فقر و ناهنجاری مواجه است (تیموری، ۱۳۹۰: ۹۱). این مشکلات بیشتر در سطح محلات شهر نمایان می‌شود و باعث ناپایداری و بروز نارضایتی ساکنان محلات شهری می‌شود. در نتیجه با رسیدگی به مشکلات و نارسایی‌های محلات شهری؛ هم به میزان قابل توجهی به ارتقا کیفیت زندگی و رضایتمندی مردم ساکن در محله کمک می‌شود و هم اینکه با پایدار شدن و ارتقاء سطح کیفی محلات به اندیشه توسعه پایدار شهری جامعه عمل پوشنده خواهد شد.

منطقه چهار شهرداری تهران با گستره دید دامنه‌های البرز و سطوح سبز گسترده در درون و حریم منطقه همچون دره‌های سد لار، لتیان و دره‌های سرسبز فشم، اوشان و میگون و مناطق ورزشی تفریحی دربندسر، شمشک و آبلعی را در شرق کلان‌شهر تهران قرار دارد. این منطقه از طرف شمال به خط ۱۸۰۰ و حریم منطقه یک و از طرف غرب به از خیابان لنگری با منطقه یک و در پاسداران با منطقه سه، از طرف جنوب با مرز یابان رسالت با مناطق هفت و هشت و در محدوده خیابان دماوند با منطقه ۱۳ و از طرف شرق به حریم منطقه چهار محدود می‌شود. منطقه چهار به عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین، وسیع‌ترین، مهاجرپذیرترین، پرساخت و سازترین مناطق تهران شناخته شده است. این منطقه با دارا بودن پارک جنگلی لویزان و همچنین با ویژگی‌هایی چون وجود نابرابری اجتماعی - اقتصادی شدید در آن، جوان بودن میانگین سنی جمعیت، وجود اقشار آسیب‌پذیر در محله‌هایی همچون خاک سفید، شمیران نو، شیان و ... از سایر محله‌های تهران قابل تمایز و تفکیک است. در شرایط کنونی به نظر می‌رسد توازن در سطح توسعه در بین نواحی مختلف این منطقه از شهر تهران وجود ندارد و این به یکی از دغدغه‌های مدیریت شهری و منطقه‌ای و از جمله پژوهشگر تبدیل شده است و لذا بررسی سطوح توسعه و در پی آن برنامه‌ریزی فضایی مناسب برای توزیع شاخص‌های توسعه به صورت متوازن در آینده این منطقه از اهمیت بالایی برخوردار بوده و مساله این پژوهش را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که احتمال دارد میان وضعیت حکمروایی در ناحیه‌های شهری و این شرایط نامطلوب توسعه یافتگی در نواحی شهری، ارتباطی حاکم باشد. لذا کشف این روابط و معنی‌داری‌ها برای حل مشکل موجود، مساله این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

مفاهیم و چهارچوب نظری
۱-۲- توسعه پایدار شهری

توسعه پایدار در بردارنده تغییر در روابط بین انسان‌ها و بین انسان طبیعت در زمان کنونی و در طی زمان است (فنی، ۱۳۷۹) که در آن انسان مرکز توجه است و انسان‌ها هماهنگ با طبیعت سزاوار حیاتی توأم با سلامت و سازندگی هستند (موحد، ۱۳۷۹: ۴۳). در این گرایش اصل موازنه بین خواست‌های اجتماعی - اقتصادی و اکولوژیکی هر نسل با توجه به سهم نسل‌های آتی از منابع محدود زمین محور سیاست‌گذاری‌های شهری و چیدمان سکونتگاهها است (امچکی، ۱۳۸۳: ۱۵۰) توسعه پایدار تمرکز توسعه بر مردم و برقراری عدالت برای نسل‌های جاری و آینده (Barton, L, and Gaunlett, E, 2003) توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، توسعه پایدار به عنوان "توسعه است که پاسخگوی نیازها در حال حاضر باشد بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود" تعریف شده است (Hawley, Kate, 2014).

توسعه پایدار محله ای توانایی جوامع کوچک محلی (محلات) در بهره برداری و استفاده از منابع طبیعی، انسانی و اکولوژیک است به گونه ای که همه اعضا یا اجتماعات محله‌ای در حال و آینده از سطوح مناسب بهداشت، سلامت، زندگی مطلوب، امنیت، یکپارچگی میان محیط زیست و فعالیت انسانی و اقتصادی پویا برخوردار شوند (Kline, E, 1995). ناکامی‌ها در دستیابی به اهداف توسعه پایدار موجب تغییر چرخش اهداف آن به سطح محلی گردیده است، بنابراین اندازه‌گیری و سنجش پایداری در محله‌های شهری اهمیتی دو چندان می‌یابد. اطلاع از وضعیت پایداری محله‌های واقع در بافت‌های سکونتی قدیم، میانی، جدید و سکونتگاه‌های غیررسمی می‌تواند نقشی مؤثر در برنامه‌ریزی‌ها و جهت‌گیری‌های توسعه و پیشرفت به سمت پایداری در این محله‌ها داشته باشد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۳).

به منظور دستیابی به اجرایی شدن استراتژی توسعه پایدار، اعضای جامعه باید به این باور برسند که ظرفیت لازم برای حل و فصل مشکلات و شکل دادن به آینده خود را دارند همانند تارهای عنکبوت که به ظاهر شکننده هستند ولی در مقاوت برابر نیروهای فوق العاده کمترین آسیب را می‌بینند (Swisher, M. E., and Monaghan, K. N, 2014). در همین راستا بر رعایت موارد زیر برای پیگیری اصولی و مؤثر سیاست‌های توسعه پایدار شهری تاکید شده است:

الف) نظامی سیاسی که مشارکت مؤثر شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری را تضمین کند. ب) نظام اقتصادی که راه حل‌هایی برای مشکلات و موانع توسعه ناهماهنگ و نمودار ارائه نماید. ج) نظام تولیدی که تعهد حفظ مبانی بوم‌شناسی برای توسعه را محترم شمرد. د) نظامی فناورانه که پشتیبان سیستم‌های حاوی حیات باشد. ه) نظامی بین‌المللی که الگوهای پایدار برای تجارت و امور مالی طرح ریزی نماید (الیوت، ۱۳۷۸).

۲-۲- حکمروایی

اگرچه کاربرد مفهوم حکمروایی شهری از اواخر دهه ۱۹۸۰ و از آفریقا آغاز گردید، اما برایان مک لالین اولین نظریه پرداز است که در سال ۱۹۷۳ به این دو مفهوم پرداخته است. از نظر او «حکومت مجموعه ای از نهادهای رسمی و حقوقی با قدرت قانونی است. اما حکمروایی نوعی فرایند است. این فرایند متضمن نظام به هم پیوسته ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در بر می گیرد. حکومت شهری مبین رویکرد سنتی به اداره شهرها و مدیریت شهری و کلان شهری است و بیشتر به مناسبات حکومت مرکزی با شهرداری ها و سازمانهای رسمی و حکومتی پرداخته و بر روابط عمومی بین آنها تأکید دارد».

حکمروایی شهری، طبق تعریف مرکز اسکان بشر سازمان ملل (هابیتات)، عبارت است از مجموع روشهای برنامه ریزی و مدیریت امور عمومی شهر از جانب افراد، نهادهای عمومی و نهادهای خصوصی، فرایند مستمری است که از آن طریق، منافع متضاد یا متعارض با هم همراه شده و به یک کنش همکاری روی آورده می شود. بنا به این تعریف، حکمروایی شهری نهادهای رسمی و همچنین اقدامات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان را در بر می گیرد.

در تعریف حکمروایی توسط بانک جهانی (۱۹۹۵) چنین آمده است: «حکمروایی مجموعه ای از روشهای فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می کند. حکمروایی فرایندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع را همساز نموده و اقدام همکاری جویانه اتخاذ می گردد. حکمروایی شامل نهادهای رسمی و نظام هایی است که برای تضمین رعایت قانون، قدرت پیدا کرده اند، همچنین قراردادهای غیررسمی که مردم و نهادها بر سر آن توافق نموده یا درک می کنند که به نفع آنها است.»

در گزارش کمیسیون حاکمیت جهانی که نقل قول بالا از آن اخذ شده، حکمروایی به این صورت تعریف شده است: «مجموعه بسیار وسیعی از روشها که اشخاص و موسسات هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی با آنها به اداره امور مشترک خود می پردازند، خدماتی که دولت ها [حکومت ها] برای شهروندان فراهم می سازند تا در آن محیط، شهروندان قادر به فعالیت باشند.»

با این اوصاف حکمروایی شهری یعنی اثرگذاری همه ارکان اثرگذار شهری بر مدیریت شهر، با تمام ساز و کارهایی که به سوی تعالی شهر و شهروندان حرکت کنند، نه اینکه عرصه های عمومی و خصوصی کنار گذاشته شوند و فقط عرصه دولتی اختیار دار آن دو باشد. اهداف کلان حکمروایی شهری به شرح زیر تدوین شده اند:

الف- بازساخت جامعه مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان ها، نهادها و جوامع محلی. ب- کاهش فقر و جدایی گزینی های اجتماعی، قومی و فرهنگی در شهرها. ج- افزایش مشارکت و مداخله افراد و صاحبان منافع در فرایندهای سیاسی درون شهرها

حکمروایی شهری به طور خاص تر نیز این اهداف عملیاتی را دنبال می کند: الف- کاهش فساد. ب- بهبود کیفیت معاش و افزایش امکان زندگی برای همه شهروندان. ج- حفظ دموکراسی. د- ایجاد فرصت و امکان برای مردم به منظور نشان دادن خواسته ها و آمالشان در زندگی. ه- اعتلای امنیت، برابری و پایداری. در چارچوب اهداف فوق، حکمروایی شهری در پی آن است تا نقش دولت را در حد هماهنگ کننده و پاسدار قوانین محدود کند و از دخالت مستقیم آن در تصمیم گیری ها، اداره و اجرای امور مربوط به زندگی روزمره مردم بکاهد. دو مفهوم حکومت شهری و حکمروایی شهری، دو سر یک طیف بوده و مبین نگرش ها و الگوهای بسیار متفاوت و متمایزی هستند که هر یک شکل و فرایند متفاوتی از مدیریت شهری را پدید می آورند. در حکمروایی شهری شهرداران نقش رئیس اصلی اجرایی شهر را بر عهده دارند که قدرت آنها متکی به آرای مستقیم یا غیرمستقیم مردم از طریق شوراهای شهر و منتخب مردم است. مشارکت مردم در اداره، ساماندهی شهر و اقدام های اجرایی اساس حاکمیت شایسته شهری است. همچنین مردم با انتخاب نمایندگان شوراهای شهری و محلی در حاکمیت شهری حضور غیرمستقیم می یابند و به این ترتیب حاکمیت شایسته شهری شکل می گیرد.

حکومت و حکمروایی دو الگوی متفاوت در شیوه اداره شهرها هستند. تفاوت این دو ایده در میزان قدرت، نفوذ و صلاحیت سه عنصر دولت، بخش خصوصی و بخش مردمی (جامعه) در جامعه شهری است. حکمروایی به روش، شیوه یا نظام مدیریتی اشاره دارد که مرز بین سازمانها و بخش های عمومی و خصوصی را نفوذ پذیر کرده است. ماهیت حکمروایی در ارتباط متقابل و کنش و واکنش بین و درون نیروهای حکومتی و غیرحکومتی است. حکمروایی به شفاف سازی اختلافات بین دولت، بازار و جامعه مدنی و ایجاد ساز و کارها و فرایندهایی برای برنامه ریزی راهبردی، تصمیم گیری و اجرا و نیز به ایجاد ترتیباتی برای مسئولیت پذیری در انجام کارها اشاره دارد. حکمروایی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت کنندگان اطلاق می شود. در واقع این اصطلاح «رابطه» و نه «دستگاه» را توصیف می کند. برخلاف حکومت، ایده حکمروایی بخش های عمومی، خصوصی و داوطلبانه را در بر می گیرد.

حکمروایی شهری، اعتقاد به اصل «شهروند» و «حقوق شهروندی» و «شهروندمداری» و تعریف درست آنهاست. می دانیم که منشأ قدرت و مشروعیت در حکمروایی شهری، تمام «شهروندان» و حضور آنها در همه صحنه ها و ارکان «جامعه مدنی» است از شاخصه های شکل گیری و گسترش این عرصه، انتقاد کردن، انتقادپذیری و پاسخگویی به مطالبات و انتقادات است که در حقیقت، رکن اصلی و اساسی و پایداری آن ارکان به شمار می آید.

بنابراین تهدیدهای حکمروایی شایسته شهری عبارت است از: انحصار طلبی نهادهای سیاسی، عدم اطلاع رسانی و محدودیت بنگاههای خبری و رسانه‌ای، نفوذ نهادهای قومی و محلی در مراجع تصمیم سازی و تصمیم گیری، سوء استفاده ها و فساد مالی و نفوذ صاحبان قدرت.

حوزه های عملکرد و فعالیت نظام حکمروایی شهری را می توان شامل پنج حوزه دانست: ۱- عملکردهای اداری: افزایش ظرفیت حرفه ای، نوآوری، تقویت و سازماندهی مجدد سازمان و گسترش برنامه های آموزشی. ۲- مدیریت مالی: استقرار یک نظام کارآمد و شفاف مبادلات بین سطوح مختلف دولت و برقراری سازو کارهای انگیزشی و تجهیز منابع مالی محلی. ۳- ارائه خدمات عمومی: بهبود در ارائه کارآمد خدمات، نهادسازی برای هماهنگی مؤثرتر بین سطوح مختلف دولت و گزینه های جدید برای ارائه خدمات، مانند تأمین منابع بیرونی و خصوصی سازی. ۴- تشدید توسعه بخش خصوصی: اجرای ترتیبات لازم برای ترویج و پرورش سرمایه گذاری خصوصی محلی، فعال سازی مشارکت بخش خصوصی در سیاستگذاری و خدمات در سطح محلی و مسئولیت پذیری بیشتر در قبال نیازهای بخش خصوصی. ۵- مشارکت در تصمیم های محلی و منطقه ای: توسعه گزینه های اعلام خواسته های محلی، برنامه ریزی مشارکتی و سازوکارهای مشورتی.

تحقق و عملیاتی شدن این ویژگیها در گرو این اصلاحات سازمانی و اجرایی است: استقرار شیوه نو و جدید در رهبری، بکارگیری نیروهای حرفه ای تر در کارهای اجرایی، افزایش درآمد و مالیات و مشارکت قدرتمندتر در انتخاب عمومی.

از نظر بوئینگر (۱۹۹۱) سه بعد برای حکمروایی قابل تصور است؛ فنی، سیاسی و نهادی. هارفام و بوئینگ (۱۹۹۷) بعد فرهنگی را نیز به این ابعاد اضافه می کند (جستارهای شهرسازی، ۱۳۸۶: ۷۳).

بعد فنی: فرایند انجام خدمات شهری از نگاه مدیریتی به طور سنتی با وجوه فنی مورد توجه قرار گرفته است. این بعد از نظر بوئینگ (۱۹۹۱) به محدودیتهای تحمیل شده بر منبع طبیعی، سطوح آموزش، مهارتهای نیروی انسانی و ظرفیت صنعتی هر شهر معین اشاره دارد. اصلی ترین مشخصه بعد فنی، عبارت است از رشد اقتصادی حاصل از عملکرد حکمرانان.

بعد سیاسی: بعد سیاسی با بعد فنی پیوند نزدیکی دارد؛ سیاستهای اجتماعی و اقتصادی برای یک اجتماع معین را نمی توان بدون درک فرایندهای تصمیم گیری در آن ملاحظه نمود. از نظر پاتر و تامس (۱۹۹۲) این فرایندها همان روابط قدرت در درون و میان کنشگران و نهادهای سیاسی است. بانک جهانی بین بعد سیاسی و فنی تمایز قایل است؛ این رویکرد با انگاره توسعه اقتصادی محض (بعد فنی) مخالف است و در مقابل، بر مشارکت شهروندان تأکید دارد. بر این اساس، مسائل مربوط به نمایندگی، پاسخگویی و توانمندسازی شهروندان را نمی توان فارغ از طبقات اجتماعی، اصناف، اقوام و جنس های موجود در جامعه شهری بررسی نمود و به همین دلیل مشارکت همگانی اهمیت دارد.

بعد نهادی: بعد نهادی حکمروایی حاکی از شکست سازو کارهای موجود برای ارائه خدمات یکسان (مساوی) به همه گروههای اجتماعی است. نهادهای مستقر در بخش خصوصی و عمومی به تدریج تغییر می کنند اما همچنان از طریق فشار، سلسله مراتب، تخریب، انحطاط و فساد، سعی در حفظ وضع موجود

دارند. بسیاری از تحقیقات بر اصلاح نهادها تاکید دارد تا بر ایجاد آنها. هدف از اصلاحات نهادی، مدیریت اقتصادی اثربخش و کاهش فقر پایدار است.

بسیاری از مطالعات بانک جهانی (۱۹۹۴) به بعد نهادی حکمروایی اشاره می کند. از دید بانک جهانی، بعد نهادی شامل اجزای زیر است: مدیریت بخش عمومی، چارچوب حقوقی، رویکردهای مشارکتی، مخارج نظامی، نهادها و حقوق بشر (جستارهای شهرسازی، ۱۳۸۶: ۷۴).

بعد فرهنگی: آمارتیا سن با انتقاد از ابعاد فنی و سیاسی، استدلال می کند که فقط پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اهداف توسعه نیستند. آزادی بیان، آزادی مشارکت و حق برخورداری از تشکیلات سیاسی نیز بخشی از وجوه مهمتر و معنادارتر زندگی انسانهاست. حکمروایی خوب نمی تواند در همه جوامع بنیادهای یکسانی داشته باشد، بلکه باید مبتنی بر فرهنگ متمایز محلی و تاریخ ویژه دولت و نهادهای آن باشد. دولت در خلاء فعالیت نمی کند. بلکه در محیطی عمل می کند که مردم در آن باروها و ارزش های مشترکی دارند، برای برخی اهداف رقابت و برای برخی اهداف دیگر مشارکت می کنند و دیدگاههای متفاوتی درباره قدرت و نحوه فعالیت آن دارند. کیفیت حکمروایی از فرهنگ جامعه نشأت می گیرد. از این رو این کیفیت از جامعه ای به جامعه دیگر و از دوره ای به دوره دیگر متفاوت است. به نظر مارتین (۱۹۹۱) پیش نیاز ضروری برای حکمروایی خوب عبارت است از اعتقاد دسته جمعی کنشگران سیاسی و اجتماعی به ارزشهای اخلاقی مشترک.

مرکز اسکان بشر سازمان ملل، شاخص های حکمروایی شهری را در ۲۴ شهر مورد سنجش قرار داده و ۲۶ شاخص را در پنج دسته (مشارکت، تساوی، اثربخشی، پاسخگویی و امنیت) معرفی کرده است. در جدول بعدی، شاخص های حکمروایی شهری خوب براساس معیارهای سازمان ملل (۲۰۰۵) درج شده است

جدول شماره ۱: شاخص های حکمروایی شهری خوب براساس معیارهای سازمان ملل (۲۰۰۵)

اثر بخشی	تساوی	مشارکت	پاسخگویی	امنیت
۱- منابع عمده درآمدی	منشور شهروندی	۱- انتخاب شورا	۱- انتشار حسابها، بودجه، قراردادها و مناقصه ها	۱- سیاستگذاری پیشگیری از جرایم
۲- پیش بینی پذیری جابه جایی های بودجه محلی	۲- درصد تعداد زنان در شورای شهر	۲- انتخاب شهردار	۲- حمایت از سطوح بالاتر دولت	۲- خدمات پلیسی به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر
۳- سنجه های منتشر شده ارائه عملکرد	۳- سیاست های فقیرگرای قیمت گذاری	۳- شرکت رأی دهندگان	۳- کدهای اجرا برای کارمندان رسمی	۳- رسیدگی به اختلاف

			آب	
۴- بررسی های رضایت مصرف کنندگان	۴- مشوق های مشاغل غیر رسمی	۴- تسهیلات برای شکایت های شهروندان	۴- معارض در مقابل سیاست های مربوط به زنان	۴- اعتراض در مقابل سیاست های مربوط به زنان
۵- بیانیه چشم انداز	۵- انجمن های مدنی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۵- کمیسیون ضد فساد	۵- سیاست گذاری درباره ایذر و HIV	۵- سیاست گذاری درباره ایذر و HIV
		۶- لایحه در آمد و دارایی		
		۷- حسابرسی مستقل		

در اساس میبانی نظمدهی، ی‌رل مفهومی پژوهش در ادامه ترسیم شده است.



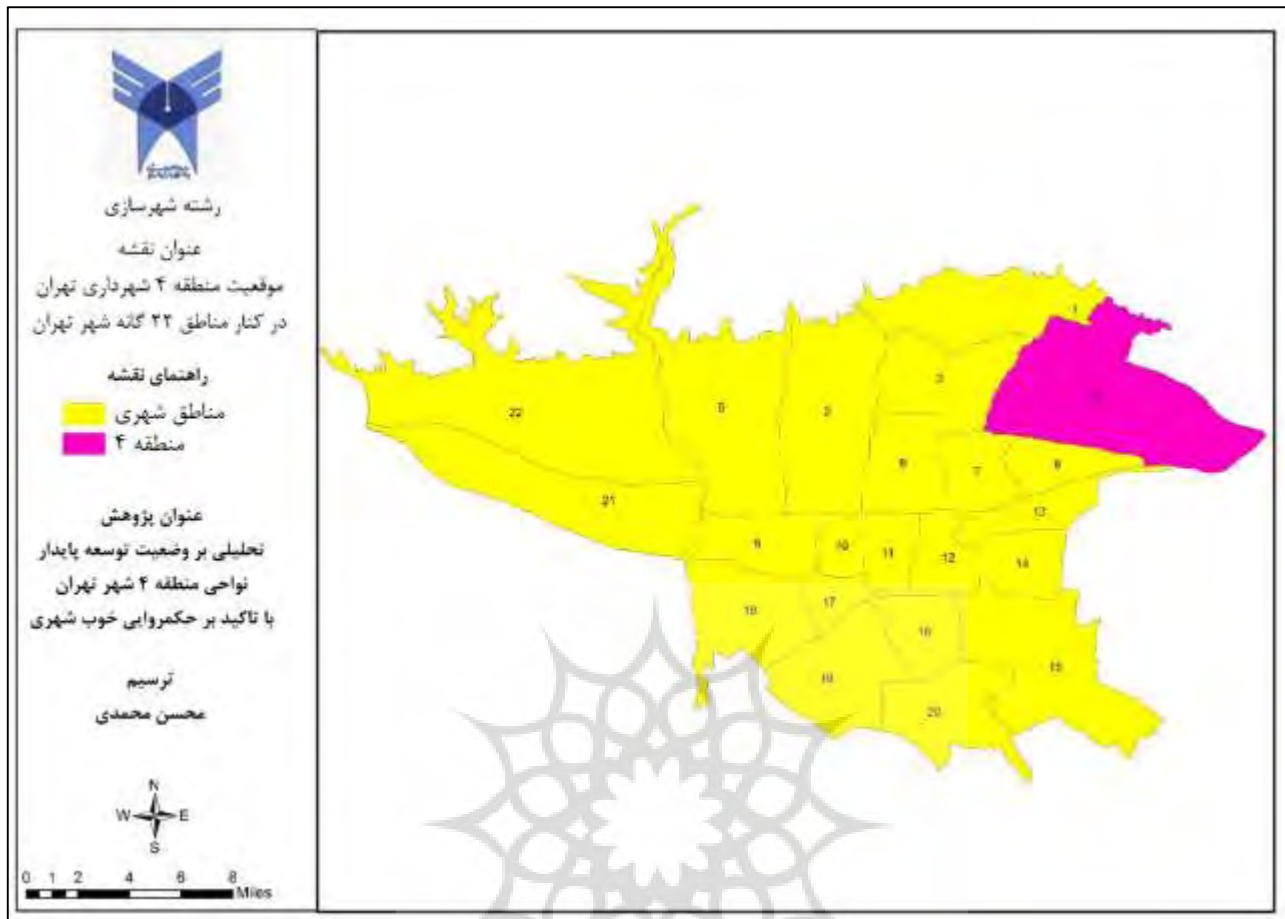
شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

۳-شناخت محدوده پژوهش

شهر تهران، بزرگ‌ترین شهر و پایتخت ایران، مرکز استان و شهرستان تهران است. جمعیت آن ۸,۲۴۴,۵۳۵ نفر بوده* (آمار بزرگ‌ترین شهرهای جهان؛ بازبینی شده در ۱۰ اوت ۲۰۱۲) و هجدهمین شهر پرجمعیت جهان به شمار می‌آید (سازمان ملل متحد). مساحت این شهر ۷۳۰ کیلومتر مربع (آمارنامه شهر تهران، ۱۳۹۰). این شهر با وسعتی در حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع در ۵۱ درجه و ۲ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی جغرافیایی قرار دارد. منطقه ۴ تهران با گستره دید دامنه‌های البرز و سطوح سبز گسترده در درون و حریم منطقه همچون دره‌های سد لار، لتیان و دره‌های سرسبز فشم، اوشان و میگون و مناطق ورزشی تفریحی دربندسر، شمشک و آبعلی را در شرق کلان شهر تهران واقع شده است. محدوده منطقه، از طرف جنوب با مرز خیابان رسالت با مناطق ۷ و ۸ و در محدوده خیابان دماوند با منطقه ۱۳، از طرف شرق: به حریم منطقه ۴ محدود می‌شود. بدین ترتیب منطقه ۴ با مناطق ۱، ۳، ۷، ۸ و ۱۳ دارای بدنه مشترک و همجوار است. از طرف غرب: در حدود خیابان لنگری با منطقه ۱ و در پاسداران با منطقه ۳ و از طرف شمال: به خط ۱۸۰۰ متر و حریم منطقه ۱ منتهی می‌گردد. موقعیت منطقه ۴ در شهر تهران و نسبت به سایر مناطق شهری در نقشه بعدی نشان داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* <http://www.world-gazetteer.com>† <http://esa.un.org/wup2009/unup/index.asp?panel=2>‡ شهر تهران، بر اساس وبسایت جمعیت و وسعت شهرهای ایران، در سال ۱۳۹۱، دارای ۸۲۴۴۷۵۹ نفر جمعیت و ۷۵۰ کیلومتر مربع مساحت است (<http://www.shahrhayeiran.blogfa.com>).



نقشه شماره ۱: موقعیت منطقه ۴ شهر تهران در کنار سایر مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

۴- روش شناسی پژوهش

پژوهش کنونی از رویکرد آمیخته که تلفیقی از دو روش کیفی و کمی است، استفاده می کند. به این صورت که ابتدا به صورت کیفی و با استراتژی موردکاوی که از استراتژی های تحقیقات کیفی است، به تبیین جنبه های مختلف مدیریت شهری و حکمروایی خوب شهری و ناحیه ای می پردازد. علاوه بر موردپژوهی، از روش پیمایش به عنوان یک روش کمی برای گردآوری و تحلیل داده ها، استفاده گردیده است.

تکنیک مورد استفاده در این پژوهش، در مرحله پرسشگری از جامعه خبرگانی و نخبگانی در نهایی سازی «شاخص های سنجش حکمروایی خوب شهری در سطح نواحی شهری» و نیز در نهایی سازی «شاخص های سنجش سطح توسعه و برخورداری نواحی شهری»، دلفی است. یکی از روش های کسب دانش گروهی مورد استفاده، تکنیک دلفی (Imani Jajarami, 2000; 35-39) است که فرایندی دارای ساختار برای پیش بینی و کمک به تصمیم گیری در طی راندهای پیمایشی، جمع آوری اطلاعات و در نهایت، اجماع گروهی است (Kennedy, 2004; 504-511 & Dunham, 1996. [Cited 2002 (Mar 24)]. در حالی که اکثر پیمایش ها سعی در پاسخ به سؤال «چه هست» دارند، دلفی به سؤال «چه می

تواند/چه باید باشد» پاسخ می‌دهد (Powell, 2003; 376-382). تکنیک در ابتدا بر مبنای حدس، قضاوت و الهام افراد مطرح شد و اما به تدریج شکل علمی گرفت و اولین بار در اواخر ۱۹۵۰ توسط کمپانی RAND برای بررسی علمی نظرات کارشناسان در پروژه دفاعی ارتش طراحی و توسعه یافت اما به دلایل امنیتی تا ۱۲ سال بعد منتشر نگردید. اولین کاربرد غیر نظامی آن نیز در برنامه ریزی توسعه اقتصادی پیشنهاد شد (Turoff and Linstone, 2008 & Landeta, 2006; 467-482). دلفی، از نیمه دهه ۱۹۶۰ به عنوان یک روش مهم علمی شناخته شد و اکنون برای طیف گسترده‌ای از سؤالات آینده محور و پیچیده، و در طیف گسترده ای از زمینه ها و دیسپلین ها استفاده می شود.

به طور مشخص، سه جامعه آماری مختلف در این پژوهش وجود دارد:

جامعه آماری خبرگان و نخبگان: به دلیل تخصصی بودن موضوع، جامعه آماری اول، شامل تعدادی از "پژوهشگران و خبرگان دانشگاهی" است به شرط آنکه که در باره توسعه پایدار شهری و همچنین حکمروایی خوب شهری، از تجارب پژوهشی برخوردار باشند، برای پرسشگری انتخاب خواهند شد.

این جامعه آماری برای تعیین و نهایی سازی شاخص‌های توسعه پایدار نواحی شهری و تدوین و تدقیق شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در سطح نواحی، مدنظر خواهد بود و پژوهشگر به سراغ آنها می‌رود. جامعه آماری مدیران و مسئولان شهری و شهرداری در منطقه چهار: این جامعه آمای شامل مدیران و مسئولان شهرداری منطقه چهار شهر تهران و مسئولین شهرداری نواحی منطقه چهار است. در امتیاز دهی به شاخص‌های برخوردار و توسعه پایدار در سطح نواحی و همچنین در امتیازدهی به شاخص‌های حکمروایی خوب شهری برای نواحی شهری منطقه چهار، پژوهشگر به سراغ آنها می‌رود.

جامعه آماری شهروندان منطقه: جامعه آماری سوم این پژوهش شامل نواحی شهری منطقه ۴ شهرداری تهران است. شهرداری منطقه ۴ با مساحتی معادل ۶۱۲۸۸۳۶۷ متر مربع در قسمت شمال شرقی تهران قرار گرفته است. در حال حاضر ۸۰۳۷۸۹ نفر در این منطقه سکونت دارند. در این منطقه ۲۳۰۰۳۶ خانوار سکونت دارند. در حال حاضر ۹ ناحیه و ۲۰ محله در سطح منطقه ۴ شهرداری تهران وجود دارد. تهران پارس غربی پرجمعیت ترین و کالاد (کوهک) کم-جمعیت ترین محله های منطقه ۴ شهرداری تهران هستند. نمونه گیری در این پژوهش، بدین شرح بوده است:

نمونه آماری خبرگان و نخبگان: با توجه به تخصصی بودن موضوع و اینکه حجم جامعه خبرگان و نخبگان دانشگاهی به صورت دقیق مشخص نیست و تنها می توان برآوردی از حجم جامعه ارائه نمود، لذا انتخاب یک حجم نمونه دقیق دشوار به نظر می رسد. در خصوص نخبگان و خبرگان به روش گلوله برفی اعتماد خواهد شد. نکته لازم توجه آن است که خبرگان و نخبگان به شیوه دلفی، در نهایی سازی شاخص‌ها به پژوهشگر کمک خواهند نمود. بعضی مقالات، دلفی را از نظر عدم نمونه گیری تصادفی نقد نموده، اما نماینده بودن نمونه ها اهمیت نداشته، بلکه کیفیت پانلیست ها مهم تر از تعداد آنها است. به عبارت دیگر،

تعداد افراد انتخابی در جامعه خبرگانی و نخبگانی اهمیت چندانی ندارد بلکه کیفیت انتخاب، بسیار مهم است.

نمونه آماری مدیران و مسئولان شهری و شهرداری در منطقه چهار: در مورد پرسشگری از مدیران و متخصصان منطقه چهار شهر تهران، از شیوه تمام شماری استفاده شده است.

نمونه آماری شهروندان منطقه: در اینجا برای تعیین حجم نمونه از شیوه کوکران استفاده می شود. همچنین در توزیع نمونه ها، از نمونه گیری تصادفی و طبقه بندی شده استفاده می شود. یعنی تعداد مناسبی از نمونه آماری در هر ناحیه نسبت به حجم جمعیت آن به کل منطقه انتخاب می شوند.

در تجزیه و تحلیل داده ها، در قسمت داده های میدانی، از آزمون های آماری متناسب در نرم افزار تحلیل آماری بهره گیری می شود. سوالات پرسشنامه بوسیله نرم افزارهای موجود مانند SPSS، EXCEL و آماره های متناسب از مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در اینجا از میانگین، کمینه، بیشینه، انحراف استاندارد بهره گیری خواهد شد. برای تعیین پایایی آزمون نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده میشود. روش آلفای کرونباخ برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کند به کار می رود (Cronbach, 1951). همچنین در تعیین روابط متغیرها و شاخص ها، نتایج حاصل از بررسی میدانی، در درون نرم افزار GIS پیاده سازی شد تا بتوان تحلیل فضایی مناسب ارایه نمود.

۵- تجزیه و تحلیل یافته ها

ابعاد، مؤلفه ها و شاخص هایی که برای سنجش سطح توسعه پایدار نواحی منطقه چهار شهر تهران، در اختیار مدیران شهری و شهرداری قرار گرفتند به شرح زیر بوده است:

جدول شماره ۲: شاخص های مورد استفاده در جامعه مدیران، برای سنجش سطح پایداری توسعه نواحی

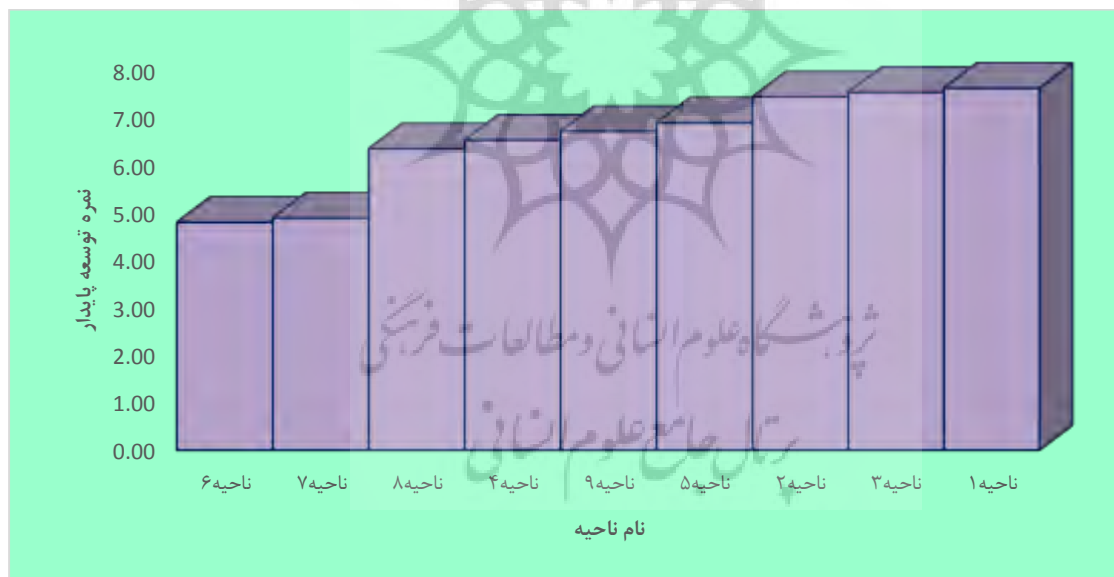
ابعاد	مؤلفه ها	شاخص ها
بعد اجتماعی - فرهنگی	فعالیت اجتماعی سطح	سطح فرهنگی ساکنان ناحیه
		وجود فرصت های لازم برای تشکیل گروه ها و شبکه های اجتماعی در ناحیه
		سطح سلامت روانی شهروندان ناحیه
عدالت اجتماعی	عدالت اجتماعی	تنوع در خانه سازی و مکفی بودن آنها برای ساکنان ناحیه از لحاظ اقتصادی
		سطح دسترسی به تأسیسات و تجهیزات در ناحیه
		تنوع در انتخاب شیوه های حمل و نقل در ناحیه
ایمنی و امنیت	ایمنی و امنیت	کاهش تخلقات و جرم و بزهکاری در ناحیه
		حذف فضای تاریک و بی دفاع در ناحیه
		امنیت در تردد کودکان و بانوان در شب در ناحیه

ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
		حذف مکان‌های حادثه‌خیز ترافیکی در ناحیه
		ایمنی در تردد عابرین پیاده در ناحیه
	تصمیم‌سازی محلی	سرمايه‌های اجتماعی شهروندان ناحیه از طریق فرایند مشارکتی
		همکاری و اعتماد شهروندان و امکان کنترل ساختار محلی توسط ساکنان
	خاطر مکانی هویت و تعلق	حس تعلق شهروندان به محیط ناحیه
		وجود ساختمانها و عناصر شاخص در ناحیه
		قدیمی بودن ناحیه و محلات آن
		باهویت بودن ناحیه و محله‌های آن
		تعداد و تنوع نهادهای رسمی و غیررسمی در ناحیه
		همکاری شهروندان ناحیه در جهت رفع مشکلات ناحیه
		مدت زمان یا قدمت اقامت ساکنین در ناحیه
		وجود مراکز خرید و گذراندن اوقات فراغت در ناحیه
سرزندگی		وجود فضایی در ناحیه برای برگزاری مراسم‌ها
		برگزاری برنامه‌های فرهنگی در ناحیه
		وجود مکان‌های فرهنگی و ورزشی در ناحیه
		وجود فضا برای پیاده روی و دوچرخه سواری در ناحیه
		وجود محل‌های بازی در ناحیه برای کودکان
آسایش اجتماعی		بعد خانوار کمتر در ناحیه
		تراکم جمعیت کمتر در ناحیه
بعد اقتصادی	اشتغال	تنوع در فرصت‌های شغلی در سطح ناحیه
		وجود فرصت‌های آموزشی و کارآموزی در ناحیه
		درصد جمعیت شاغل در ناحیه
		وجود برنامه‌های اشتغال در ناحیه
		میانگین درآمد ماهیانه خانوارهای ناحیه
دارایی	زمین ارزش	درصد خانوارهای مالک ساختمان و زمین محل سکونت در ناحیه
		ارزش (قیمت) زمین تجاری و مسکونی در ناحیه
	فعالیت نظام	توزیع مکانی مناسب فعالیت‌ها در ناحیه
		سودآوری فعالیت‌های تجاری در ناحیه
بعد زیست محیطی	سطح سلامت زندگی	کیفیت هوای ناحیه
		شیوه‌های زندگی فعال و پرتحرک (پیاده روی و ورزش) در ناحیه

ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
	کیفیت مکان‌های زیستی	سهولت در دسترسی به انواع میوه و سبزی در ناحیه
		وجود فضای عمومی مناسب در ناحیه
		وجود مبلمان مناسب شهری در ناحیه
		زیبایی ساختمان‌ها و دیوارها در ناحیه
		آلودگی‌های صوتی کمتر در ناحیه
		آلودگی‌های هوای کمتر در ناحیه
		دوری ساکنین ناحیه از مراکز تولید آلودگی (اعم از مراکز تولیدی و خدماتی)
	حفظ محیطی و زیست‌وضع طبیعی منابع	شناخت پتانسیل اراضی بایر و در نتیجه کاهش استفاده از منابع و زمین‌های اطراف
		کاهش تقاضا برای منابع تجدیدنپذیر در ناحیه
		تجدید استفاده از منابع طبیعی (تقویت سیستم‌های بازیافت) در ناحیه
استفاده از انرژی تجدیدپذیر و انرژی حرارت ترکیبی در ناحیه		
پسماند و نظافت	کاهش اتکا به اتومبیل و سفرهای شهری در ناحیه	
	وضعیت جمع‌آوری زباله در ناحیه	
	وجود مراکز خرید زباله قابل بازیافت در ناحیه	
	نظافت کوچه و خیابان و مجاری آب در ناحیه	
تحمل ظرفیت قابل	وجود مخزن زباله در معابر ناحیه	
	پایین بودن تراکم جمعیتی و ساختمانی در ناحیه	
	توان ناحیه در ارائه خدمات به شهروندان	
کالبدی بعد	و سازگاری پویایی	ظرفیت تأسیسات زیربنایی و شبکه ارتباطی در ناحیه
		تغییرات فیزیکی در ناحیه و افزایش آرامش و کیفیت زندگی
	خوانایی	سهولت در پیدا کردن نشانی در ناحیه
		وجود عناصر و نشانه‌های شاخص در ناحیه
	دسترسی	تنوع در انتخاب مسکن بر اساس درآمد و ساختار فرهنگی در ناحیه
		دسترسی آسان به خدمات در ناحیه
		دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی در ناحیه
	دوام و پایداری	کیفیت پیاده‌روها در ناحیه
		نوسازی بافت فرسوده در ناحیه
		نسبت بناهای مستحکم و بادوام در ناحیه
رعایت اصول پدافند غیرعامل در ناحیه		

ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
	زیربنایی و سرانه های شهری	سرانه فضاهای باز و سبز در ناحیه
		سرانه کاربری های فرهنگی و مذهبی در ناحیه
		سرانه کاربری های بهداشتی و درمانی در ناحیه
		سرانه کاربری های آموزشی در ناحیه
		سرانه کاربری های فرهنگی-پذیرایی در ناحیه
	زیستی	متوسط مساحت زیربنای واحدهای مسکونی در ناحیه

بر اساس نمره‌هایی که هم شهروندان و هم مدیران شهری و شهرداری منطقه چهار به شاخص‌های توسعه پایدار نواحی نه (۹) گانه دادند، نمره نهایی توسعه پایدار هر یک از نواحی بدست آمده است. ترتیب نواحی نه‌گانه منطقه چهار در ادامه در قالب نمودار مشخص شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود، از نگاه مدیران شهری و شهرداری منطقه چهار، نواحی ۱ و ۳ از بالاترین نمره و نواحی ۶ و ۷ از پایین‌ترین نمره توسعه پایدار برخوردارند.



نمودار شماره ۱: ترتیب نمره توسعه پایدار نواحی منطقه چهار بر اساس نظر مدیران شهری

در بررسی و سنجش وضعیت حکمروایی خوب شهری، از مجموعه‌ای از شاخص‌ها استفاده شده است. فهرست شاخص‌های حکمروایی خوب که از مدیران پرسشگری شد، به شرح زیر می‌باشد:

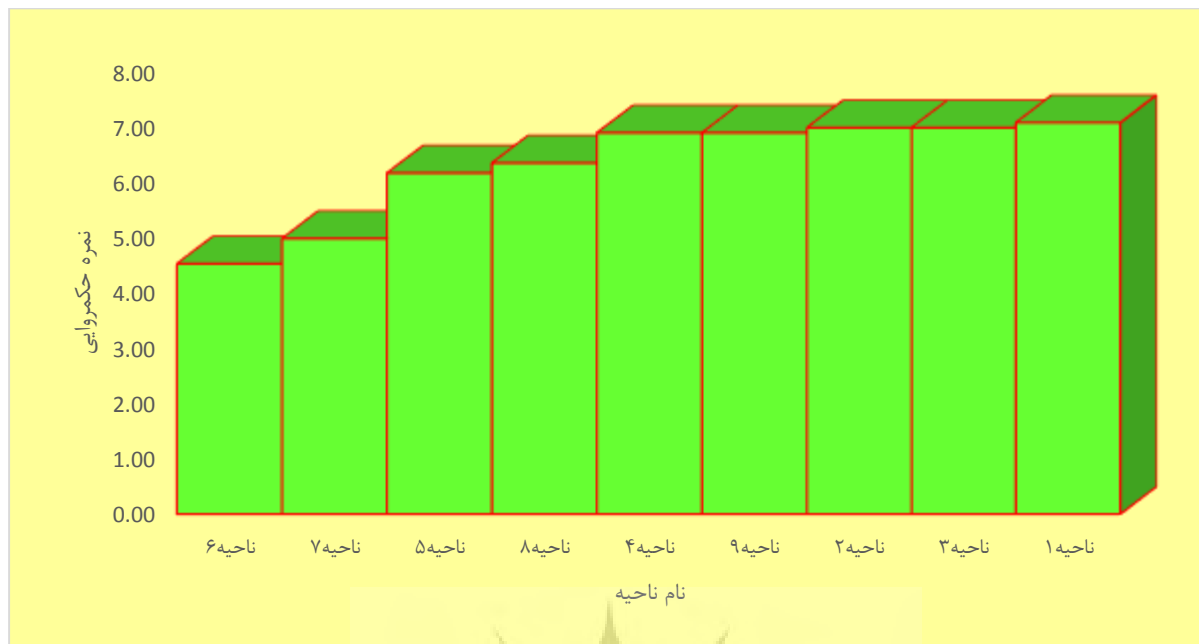
جدول شماره ۳: شاخص‌های مورد استفاده در جامعه مدیران، برای سنجش سطح حکمروایی خوب نواحی شهری

شاخص‌ها	گزاره‌ها (زیرشاخص)
مشارکت / تمرکز زدایی منابع و اختیارات	حمایت شهروندان ساکن ناحیه از تصمیم گیران و تایید سیاست های آنان
	مشارکت و نظرخواهی از شهروندان ناحیه در تهیه طرح‌های موضوعی-موضوعی و اجرای آنها
	کمک شهروندان ناحیه در اجرای طرح های توسعه شهری
	تمایل شهروندان ناحیه به کمک کردن به مدیران و مسولان در تهیه طرح‌های توسعه شهری
	وجود اتاق فکرها و تشکیل جلسه‌های مشورتی برای مشارکت بخش خصوصی و نهاد مدنی
	مشارکت و فعالیت داوطلبانه مردم ناحیه در نظافت معابر، مناظر طبیعی و بهداشت ناحیه
	میزان واگذاری اداره شهر به خود شهروندان ناحیه و تفویض اختیار به مردم
	مؤثر بودن اقدام‌های مدیریت شهری برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده ناحیه
	میزان مشارکت شهروندان ناحیه در تأمین مالی و تأمین بودجه شهرداری
اثربخشی و کارایی/ قوی، عمومی مدیریت هزینه اثربخشی	لحاظ مسایل محیط زیستی در اجرای طرح ها از سوی نهادها بویژه شهرداری ناحیه
	محاسبه و لحاظ مدت زمان اجرای طرح های ناحیه به طور صحیح
	محاسبه و لحاظ هزینه اجرای طرح ها در ناحیه بطور دقیق
	میزان رضایت شهروندان از خدمات ارائه شده توسط نهادها بویژه شهرداری
	بهترین و مناسب‌ترین طرز استفاده از منابع موجود ناحیه برای تامین نیاز های شهروندان
	بهبود اقدامات و روش‌های مدیریتی بر پایه دانش روز و فن‌آوری‌های جدید
شفافیت	کاهش هزینه ها و ارتقای کیفیت خدمات به شهروندان ناحیه
	اطلاع‌رسانی به شهروندان درمورد کارهای عمرانی و رفاهی و نظرخواهی از آنان دراینمورد
	۱. اطلاع شهروندان از وجود طرح ها و برنامه های عمرانی مربوط به ناحیه
	اطلاع‌رسانی به شهروندان در مورد جزییات اجرا و هزینه های اجرای پروژه ها در ناحیه
	روشن و شفاف بودن مسولیت ها، قراردادهای، مناقصه ها و مزایده ها
	کاهش فساد در مدیریت شهری ناحیه بدلیل عدم پنهان کاری در تصمیم گیری ها
	قابلیت دسترسی به جریان آزاد اطلاعات، کنترل و پایش عملکرد مدیران ناحیه شهری
	اعلام عمومی رشد درآمدهای پایدار شهرداری ناحیه و محل تأمین آن
	رعایت اخلاقیات و صداقت از جانب مدیران و مسئولان ناحیه
	کاهش تعداد پرونده های فساد مالی کارکنان مجموعه مدیریت شهری ناحیه
قانونمندی/قانونمندی	وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان ناحیه از روندهای موجود

شاخص‌ها	گزاره‌ها (زیرشاخص)
	قوانین کارآمد برای اداره و مدیریت ناحیه شهری
	رعایت درستی و عادلانه چارچوب های قانونی در تصمیم گیری
	بسته بودن دست افراد غیر مسئول در تصمیم گیری ها
	آگاهی شهروندان ناحیه از قوانین، مقررات و ضوابط
	اطلاع شهروندان و اهالی ناحیه از سازمان‌های تصمیم‌گیر و برنامه‌ریز ناحیه
	پایبندی مسولان ناحیه نسبت به قوانین
	عدم تأثیرگذاری روابط بر روی ضوابط و نبود تبعیض در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی
	عدم تأثیرگذاری افراد صاحب قدرت و گروه‌های صاحب نفوذ در تصمیم‌گیری‌های شهری
	پایبندی مدیریت شهر به عرف و آداب و رسوم شهروندان ناحیه
	میزان برخورد قانونی مسئولین ناحیه با عوامل تخلفی از قوانین و ضوابط شهری و شهرسازی
	وضعیت عملکرد اداره کل حقوقی در رسیدگی به دعاوی شهروندان ناحیه
	میزان تعهد شهرداری به قوانین و مقررات طرح جامع و تفصیلی
	درک و پذیرش مسولان شهری نسبت به نیازها و خواسته های شهروندان ناحیه
	واکنش و پاسخ مناسب مسولان شهری نسبت به نیازها و خواسته های شهروندان
پذیرا و پاسخ ومدنی دهنده/مداخله شهروندی	همسویی خواسته های شهروندان و اقدام مسولان ناحیه
	برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با گروه‌های مختلف توسط شهرداری در موضوعات مختلف
	تسهیل در رسیدگی مطلوب به شکایات شهروندان ناحیه توسط نهاد مدیریت شهری
	برگزاری جلساتی از سوی میران و مسؤلان ناحیه برای تشریح اقدامات
	حساب پس دادن مسولان و تصمیم گیران ناحیه در قبال شهروندان
	فراهم بودن ساز و کار های لازم برای برای پاسخ گویی مسولان در نهاد مدیریت شهری ناحیه
مسئولیت پذیری /مسئولیت و پاسخگویی	مسولان و مدیران شهری ناحیه بخوبی پذیرای خواسته ها و نیازهای شهروندان بودن
	پاسخ دادن مسولان و مدیران شهری به خواسته ها و نیازهای شهروندان ناحیه
	پیگیری مسئولین شهری نسبت به طرح‌های در دست اجرا تا لحظه پایان آنها
	مسئولیت پذیری در برابر مشکلات کالبدی ناحیه
	اعتراف به خطا و اشتباه‌های مدیریتی در ناحیه شهری
	مسئولیت‌پذیری مدیریت شهری ناحیه در برابر وظایف محول شده
	تلاش مدیران شهری ناحیه برای تشویق مردم به پذیرش مسئولیت
	رضایتمندی مردم شهر از مسؤولیت‌پذیری مدیران شهری ناحیه
	تهیه و انتشار سلسله گزارش های مختلف از عملکرد شهرداری ناحیه

شاخص‌ها	گزاره‌ها (زیرشاخص)
اجماع‌گرایی / وفاق گرای / جهت‌گیری توافقی	پاسخگویی شهرداری در ارتقا و پیاده‌سازی نظام مدیریت بحران در ناحیه
	حصول توافقی مشترک میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی
	وجود هماهنگی‌های لازم بین نهادهای مختلف، برای اداره بهتر ناحیه
	وجود سازوکارهای همکاری مطلوب بین شهرداری، نهادهای عمومی، خصوصی و شهروندان
	وجود تعامل مناسب گروه‌ها و منافع مختلف با یکدیگر در ناحیه
	تعامل سه‌بخش مهم (بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی) با یکدیگر در ناحیه
	وجود سازوکاری برای مشورت بین سازمان‌های رسمی توسعه و شهروندان ناحیه
	توافق جمعی در خصوص مشکلات مهم ناحیه (اقتصادی، زیست‌محیطی)
	تشکیل گروه‌های داوطلب مردمی در راستای کمک‌رسانی به خدمات شهری در ناحیه
بینش راهبردی / رهبری سیاسی	عبور مدیریت شهری از مسائل روزمره ناحیه و غرق نشدن در روزمرگی
	وجود بینش گسترده و دراز مدت نسبت به آینده ناحیه
	وجود بینش راهبردی در زمینه توسعه ناحیه در میان مدیران و مسولان نهاد مدیریت ناحیه
	در نظر گرفته طیف‌ها و گروه‌های مختلف شهروندان در برنامه‌ریزی‌های توسعه ناحیه شهری
	آینده‌نگری در برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های نهاد مدیریت شهری ناحیه
	آینده‌نگری و تدبیر برای مشکلاتی که در آینده ممکن است گریبانگیر شهر و شهروندان شود
عدالت / برابری / دسترسی تصمیم‌گیری و منابع به برابر ها	وجود فرصت‌های مناسب برای همه‌ی شهروندان در زمینه‌ی ارتقا وضعیت رفاهی خودشان
	کافی و موفق بودن تلاشها در جهت تخصیص عدلانه منابع بین همه شهروندان
	سهم خوب و مطلوب اقشار و شهروندان محروم، در اعلام نظرها و تصمیم‌گیری‌ها
	عضویت زنان در نهادهای مدیریت شهری ناحیه همچون شهرداری و شورا
	برابری فرصتها و تخصیص بهینه منابع و امکانات در ناحیه
	گسترش برابر دامنه بهداشت در خیابان‌ها و محله‌های ناحیه
	سرانه مراکز خدمات اجتماعی در ناحیه
	سرانه ارزش‌ریالی خدمات ارائه شده به بانوان در ناحیه

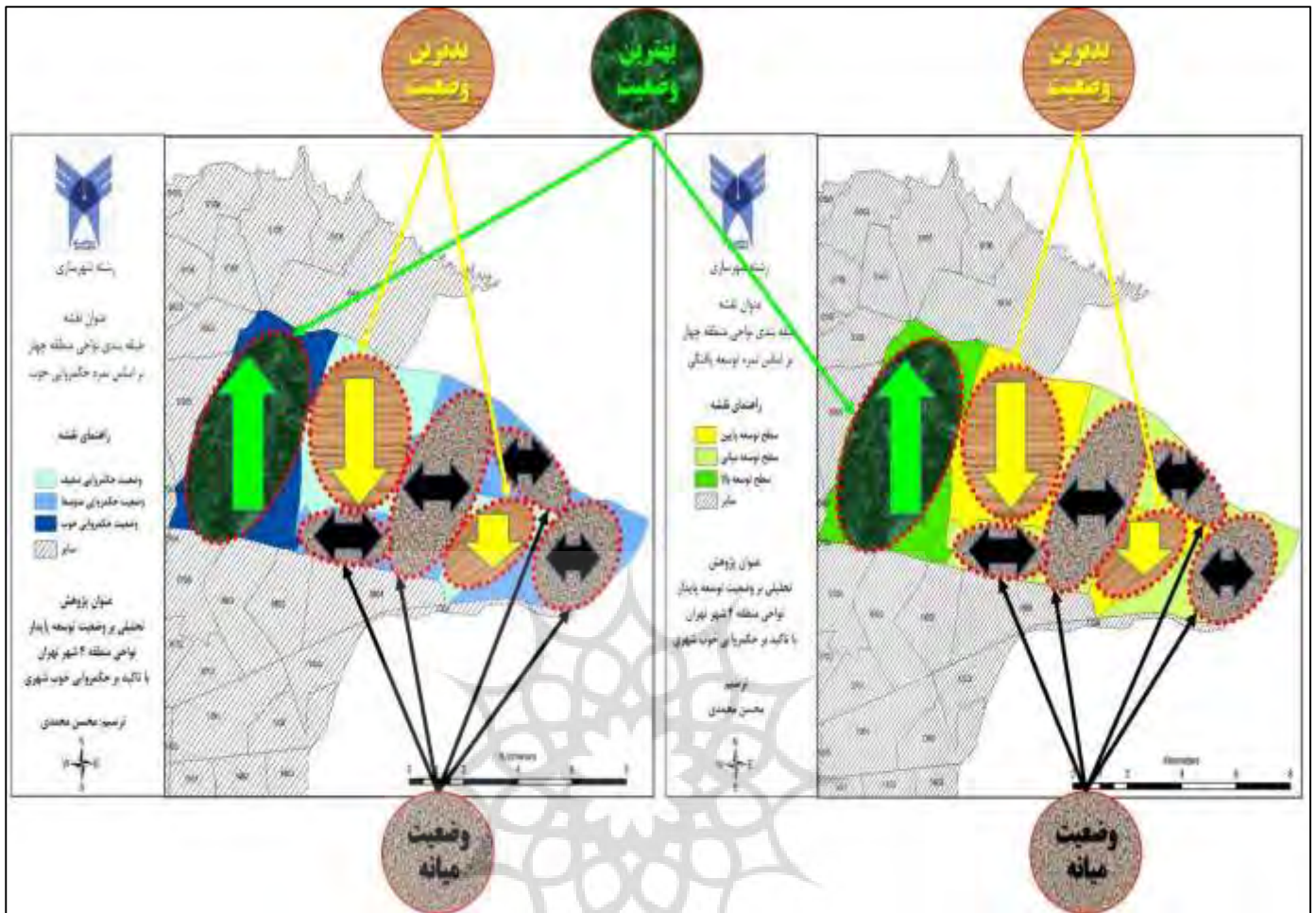
با توجه به نمره مدیران شهری و شهرداری به شاخص‌های حکمروایی خوب برای نواحی منطقه چهار، نمره وضعیت حکمروایی خوب برای هر ناحیه محاسبه شده است. بهترین جایگاه از نظر حکمروایی خوب به ناحیه ۱ اختصاص دارد. نواحی شماره ۳ و ۲ با امتیازی برابر در جایگاه دوم قرار دارند و نواحی ۴ و ۹ نیز با امتیازی برابر، در جایگاه سوم قرار گرفتند. ناحیه ۶ از کمترین نمره حکمروایی خوب برخوردار می‌باشد.



نمودار شماره ۲: ترتیب نمره حکمروایی خوب در نواحی منطقه چهار بر اساس نظر مدیران شهری

برای درک بهتر و تحلیل فضایی همپوشانی نواحی از نظر شاخص‌های توسعه پایدار و شاخص‌های حکمروایی، نقشه بعدی تولید شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقشه شماره ۲: مقایسه نواحی منطقه چهار، از نظر سطح توسعه و وضعیت حکمروایی خوب

همانگونه که از رو نقشه پیداست، بهترین وضعیت حکمروایی در نواحی شهر تهران با بهترین وضعیت توسعه پایدار مطابقت می‌کند. درست در مقابل، بدترین وضعیت از نظر شاخص‌های توسعه پایدار، مختص همان نواحی است که از نظر حکمروایی شهری در پایین‌ترین سطح قرار دارند.

بدین ترتیب می‌توان دریافت که همراستا با فرازونشیب‌های حکمروایی، توسعه پایدار در فضای جغرافیایی، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. هر جا وضعیت حکمروایی شهری در سطح مطلوبی برقرار بود، توسعه پایدار نیز برقرار است و هر جا حکمروایی شهری در وضعیت ضعیفی بود، توسعه پایدار نیز تحقق نمی‌یابد و یا در سطح ضعیفی قرار دارد.

۶- نتیجه و پیشنهاد

در خصوص روابط بین سطح و رتبه توسعه نواحی شهری با رتبه شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در نواحی منطقه چهار شهرداری تهران، نتایج حاصل از بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها نشانگر آن است که

پیاده‌سازی شرایط حکمروایی خوب شهری در تحقق توسعه پایدار نواحی شهری این منطقه نقش دارد. به گونه‌ای که:

- نواحی یک (۱)، دو (۲) و سه (۳) از منطقه چهار (۴) شهرداری تهران دارای رتبه نخست (وضعیت مطلوب) حکمروایی خوب شهری می‌باشند و این درحالی است که نواحی دارای سطح توسعه و وضعیت برخورداری بالا عبارتند از: نواحی یک (۱)، دو (۲) و سه (۳).

- نواحی چهار (۴)، پنج (۵)، هشت (۸) و نه (۹) از منطقه چهار (۴) شهرداری تهران دارای رتبه دوم (وضعیت میانی/متوسط) حکمروایی خوب شهری می‌باشند و این درحالی است که نواحی دارای سطح توسعه و وضعیت برخورداری میانی (متوسط) عبارتند از: نواحی چهار (۴)، پنج (۵)، هشت (۸) و نه (۹).

- نواحی شش (۶) و هفت (۷) از منطقه چهار (۴) شهرداری تهران دارای رتبه سوم (وضعیت ضعیف) حکمروایی خوب می‌باشند و این درحالی است که نواحی دارای سطح توسعه و وضعیت برخورداری پایین (ضعیف) عبارتند از: نواحی شش (۶) و هفت (۷).

این پژوهش بر اساس یافته‌های خویش بر این اعتقاد است که اگر حکمروایی خوب در سطوح مختلف (شهری، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محله‌ای) برقرار شود، در این صورت می‌توان شاهد توسعه مطلوب در همه آن سطوح (شهری، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محله‌ای) بود. لذا الگوی مطلوب نهایی بدین شرح ارایه می‌گردد.

Sustainable development of areas in Tehran's District 4 with an emphasis on good urban governance

Mohsen mohamadi

Department of Geography and Urban Planning, Tehran North Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran

Rahim Sarvar*

Department of Geography and Urban Planning, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran

Majid Vali Shariat Panahi

Department of Geography and Urban Planning, Yadegar-e-Imam Khomeini(rah), shahr-e-rey
Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Hossein Mojtaba Zadeh

Department of Geography and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran

Abstract

The metropolis of Tehran, as the capital, is facing many problems, and District Four, which is one of the most populous areas of Tehran, is currently unbalanced in terms of development among different areas. Discovering the relationship between these conditions and the situation of governance in the regions is a matter of research. The research was performed by descriptive-analytical method with survey strategy. The indicators were first obtained by Delphi method (DELPHI) and then distributed among two statistical communities of citizens and municipal managers. The results of calculations in the Geographic Information System (GIS) and spatial analysis showed that the areas that ranked better in terms of governance were better in terms of sustainable urban development (areas 1, 2 and 3) and the areas that ranked better. They were worse off in terms of good urban governance, and in terms of sustainable development, they are in a weaker position (areas 6 and 7), so there is a relationship between good urban governance and sustainable development in urban areas.

Key words: Sustainable Development ؛ Good Urban Governance؛ District Four (4) ؛ Tehran.

* Sarvarh83@gmail.com